

**The Reflection of Indomitability as a Psychological Characteristic in the
Poems of Mehdi Hamidi Shirazi and Ahmad Shamlu:
A Psychoanalytic Approach**

Sara Parsaei Jahromi¹
Dr. Dorreh Dadjoo Tavakkoli²
Dr. Shirin Koshki³
Dr. Mohammad Ali Gozashti⁴

Abstract

Mehdi Hamidi and Ahmad Shamlu are literary stylists in modern Persian poetry. The psychological quality of indomitability is reflected in their work as a thought and predominant form of expression. When confronted with difficulties, in most of their literary themes the artists not only liken their talents and capabilities to those of mythical characters but also are strongly rebellious against big subjects such as the law, politics, all that is sacred, etc. These psychological aspects are associated with some scales of narcissism. In the present introductory work, the internal causes of composing rebellious poetry were determined by using psychoanalysts' theories. This study intends to answer the question whether or not the psychological phenomenon of indomitability significantly informed the two poets' quality, quantity, and style of literary expression. The research method is descriptive and analytic. The conclusion is that in Hamidi's and Shamlu's poetry a variety of the manifestations of indomitability played a prominent role in ways of selecting figures of speech, in quantity, and in enhancing the artistic aspect of the themes as well as the value of the poets' work. Therefore those manifestations cannot be overlooked.

Keywords: Indomitability, Rebelliousness, Style of poetic expression, Psychoanalysis, Narcissism

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Ir sa.parsaei69@gmail.com.

² . (Corresponding Author) . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran . dorreh.dadjoo99@gmail.com

³ . Assistant Professor, Department of Psychology, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. sh.koshki@iauctb.ac.ir.

⁴ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran .magozashti@yahoo.com.

Date of receipt: 2020-12-04, Date of acceptance: 2021-05-24

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)

(مقاله پژوهشی)

سارا پارسائی جهرمی^۱

دکتر دُرّه دادجوی توکلی^۲، دکتر شیرین کوشکی^۳، دکتر محمدعلی گذشتی^۴

چکیده

مهدی حمیدی و شاملو، شاعران صاحب سبک ادبیات معاصر هستند؛ مشخصه‌روانی تسلیم‌ناپذیری به صورت یک اندیشه و فرم بیان غالب در اشعار این دو شاعر، انعکاس یافته است؛ این هنرمندان، هنگام رویارویی با دشواری‌ها، در غالب مضامین ادبی خود، علاوه بر مشابه دانستن استعداد و توان خویش با شخصیت‌های اساطیری، تحت تأثیر مکانیسم دفاع روانی، مقابل سوژه‌های بزرگ مانند قانون، سیاست، مقدسات و... قدرتمندانه گردن‌فرازی کرده‌اند؛ ابعاد روانی ذکر شده، مرتبط با طیف‌هایی از خودشیفتگی نیز است. در جستار حاضر، با استفاده از نظریات روان‌کاوان، علل درونی سرایش اشعار گردن‌فرازانانه مشخص شد. پژوهش می‌خواهد به این

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

sa.parsaei69@gmail.com

^۲ (نویسنده‌ی مسئول)، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. Dorreh.dadjoo99@gmail.com

^۳ دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Shi.koshki@iauctb.ac.ir

^۴ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

magozashti@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۹۱

پرسش پاسخ دهد که پدیده‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری، کیفیت، کمیت و سبک بیان ادبی این دو شاعر را به صورت چشم‌گیر تحت تأثیر قرار داده است یا خیر. روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی است. در پایان، این نتیجه حاصل شد که انواع جلوه‌های تسلیم‌ناپذیری، نقش بارزی را در نحوه‌ی گزینش صنایع ادبی، کمیت، پیشبرد وجه هنری مضامین و ارزش آثار این شاعران ایفا نموده و ازین رو قابل چشم‌پوشی نیست.

واژه‌های کلیدی: تسلیم‌ناپذیری، گردن‌فرازی، سبک بیان شعری، روان‌کاوی، نارسسیسم.

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

واکنش هر فرد در برابر ناملایمات، با توجه به عوامل مختلف، متفاوت است؛ عده‌ای به درون خود پناه می‌برند و برخی، شروع به شکوه و شکایت می‌کنند؛ بعضی افراد، ضعفی از خود بروز نمی‌دهند و حتی وجود خویش را استوار و قوی جلوه می‌دهند و به «من آرمانی» می‌رسند. شاعران با استفاده از عنصر تخیل و به کارگیری صنایع بیانی، محتویات ناخودآگاه خویش را به نمایش می‌گذارند. بعضی شاعران برمنش، مانند مهدی حمیدی (۱۳۶۵-۱۲۹۳) و شاملو (۱۳۷۹-۱۳۰۴)، در آثار خود حجم قابل توجهی از انواع ایستادگی مقابل دشواری‌ها را به یادگار نهاده‌اند؛ از فحوای شعر آن‌ها و تحلیل سبک و نوع به کارگیری صنایع بیانی ایشان، می‌توان دریافت که معمولاً در این مواقع، اظهار عجز و ناتوانی نکرده‌اند و یا در صورت بیان سختی‌ها، در قسمتی از اثر، دوباره غرور خود را جسته‌اند و بر مسند قدرت خویش تکیه داده‌اند. بعضی برخوردهای گردن‌فرازانه‌ی افراطی با سختی‌ها، مانند تشبیه شخصیت و توانایی‌های خود به اساطیر و موجودات خاص، با رگه‌هایی از خودشیفتگی (Narcissism مرتبط است؛ «جوان لچکار (Joan Lachkar)») «روانکاو حوزه‌ی خودشیفتگی، این پدیده‌ی روانی را این‌گونه توصیف نموده است: «این افراد، تحت سلطه‌ی ویژگی‌های همه‌توانی، بزرگ‌نمایی و خودنمایی هستند؛ آن‌ها دیگران را به عنوان ضمیمه‌ای از خود تجربه می‌کنند و برای حفظ این رابطه‌ی ویژه، تمایل دارند بر کمال و قدرت، تمرکز

۹۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

کنند.» (لچکار، ۱۳۹۶: ۲۷۱) مضامین خودشیفته‌وار، به ویژه در آثار شاملو، مخاطبان فراوانی را جذب نموده است. تصاویر برمنشانه به این علت علاقه‌ها را جلب می‌کند که از هر لفظ و احساسی که شخصیت صاحبان اثر و فضای شعر را حقیر و خفیف می‌سازد عاری است. دسترس‌ناپذیری و عظمت شخصیتی نویسندگان گردن‌فراز، توجه مخاطب را جلب می‌نماید. گاهی برقراری ارتباط عمیق میان متن و خواننده، موجب می‌شود که مخاطب، خود را در جایگاه نویسنده تصور کند؛ لذا این تصاویر شکوهمندانه به جهت ارتقای ذهنی پایگاه شخصیتی برای وی خوشایند است.

درباره شخصیت و منش شاملو و حمیدی، تحقیقاتی صورت پذیرفته است اما پژوهشی مدون که تخصصی و با نگرشی روان‌کاوانه به شیوه‌ی برخورد گردن‌فرازان‌های آن‌ها با پدیده‌های اندوه و دشواری پرداخته باشد مشاهده نشد. منابعی که تا حدی به گوشه‌هایی از پژوهش ما نزدیک شده‌اند، ذکر می‌گردد.

- در کتاب «شبی هم در آغوش دریا»، (۱۳۸۷) اثر «محمد خلیلی»، نظری کلی از شفיעی کدکنی در خصوص گردن‌فرازی و خودشیفتگی حمیدی منتشر شده و به ابعاد و زمینه‌های آن پرداخته نشده است.

- پایان‌نامه «دکتر مهدی حمیدی در آینه‌ی آثارش» (۱۳۸۷)، اثر «مریم زارع»، دربردارنده‌ی شرح احوال و زندگی حمیدی است اما به روحیه‌ی ابراز نکردن عجز وی به شکل روان‌کاوانه پرداخته نشده است.

- کتاب «شناختنامه شاملو» (۱۳۷۷)، اثر «جواد مجابی»، شرح کامل زندگی، اخلاق و فعالیت‌های شاملو است اما دیدگاهی روان‌کاوی در خصوص وی مشاهده نشد.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۹۳

- مقاله‌ی «نگاهی تطبیقی به شعر احمد شاملو و احمد مطر با رویکرد تحلیل روان‌شناختی بر پایه نظریه شخصیت فروید» (۱۳۹۶)، اثر «جواد کبوتری، معصومه بخشی‌زاده و حسین آریان»، برخی اشعار شاملو، تحلیل روان‌شناسانه شده است اما فرضیه و پرسش پژوهش ما را پوشش نمی‌دهد.

- در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی مکانسیم‌های دفاعی در شعر ابوالعلاء معری و شوریده‌ی شیرازی» (۱۳۹۸)، اثر «علی‌اصغر حبیبی و رضا اصغری»، ذکر شده است که معری و شوریده‌ی شیرازی به دلیل دچار شدن به بیماری آبله و نابینایی بر اثر این بیماری، چهره‌ای نازیبا پیدا کرده بودند و به این علت، دچار عقده‌ی حقارت شده بودند؛ همین حس، موجب شده بود تا تحت تأثیر مکانسیم دفاع روانی (که فروید آن را مطرح کرده است)، در اشعار خود، در پاسخ به تحقیر شدن و مورد تمسخر قرار گرفتن از سوی دیگران، برخی افراد را تحقیر کنند یا در پی آرمان‌گرایی افراطی باشند.

- در مقاله‌ی «نگاهی به شخصیت‌های رمان کلیدر دولت‌آبادی بر اساس مفاهیم احساس کهنتری و جبران برتری‌جویی در نظریه‌ی آدلر» (۱۳۹۸)، اثر «طاهره گلستانی بخت، مریم زمانی و سامان رحمانی فرشلاف»، نویسندگان با استفاده از نظریات آلفرد آدلر در زمینه‌ی احساس حقارت و عقده‌ی حقارت، نمود برتری‌جویی‌ها و بازخوردهای روانی مرتبط با احساس حقارت را در شخصیت‌های رمان کلیدر، تحلیل و بررسی کرده‌اند.

۹۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

- در مقاله‌ی «واکاوی تیپ شخصیتی قهرمان رمان «ساق البامبو» (۱۴۰۰)، اثر «عارفه خمرزابلی، علی اصغر حبیبی و مجتبی بهروزی»، بر اساس تئوری تیپ‌شناسی شخصیت «آنیگرام»، چند تیپ شخصیتی اعم از فردگرا، رهبر، موفقیت‌طلب و... معرفی شده است که تا حدی با سبک شخصیتی حمیدی و شاملو هم‌خوانی دارد.

۲. مبانی نظری پژوهش

دیدگاه‌های «مکانیزم روانی دفاع جبرانی»، گردن‌فرازی به هنگام رویارویی با ناکامی‌ها، احتمال ایجاد خودشیفتگی در روان و «رسیدن به خود آرمانی» که توسط روان‌کاو نامی، «زیگموند فروید» (Sigmund Freud)، (۱۸۵۶-۱۹۳۹) در کتاب‌های «مکانیزم‌های دفاع روانی» و «پیش در آمدی بر خودشیفتگی» بیان شده است، مبنای اصلی نظریات روان‌کاوانه در این جستار قرار گرفت؛ همچنین طبق دیدگاه «ژاک لاکان» (Jacques) Lacan (۱۹۰۱-۱۹۸۱) روان‌کاو فرانسوی، ناخودآگاه با زبان در یک خط مستقیم قرار دارد؛ از دید وی، امیال واپس‌رانده‌ی بشر در زندگی شخصی، ناخودآگاه از طریق زبان در متن متجلی می‌شود. (هومر، ۱۳۹۴: ۹۸ و ۹۷) (ادغام این بخش با مبانی نظری) بنابراین، آرایه‌های ادبی، تنها صور کلامی نیستند بلکه فرآیندی فعال در نظام شناختی بشر محسوب می‌شوند. تخیل یا ایماژ، از مهم‌ترین عناصر شعر شاملو و حمیدی است. آن‌ها گاه از سر گردن‌فرازی، نفس خود را به مواردی تشبیه می‌نمایند که ارتباط دادن آن برای ذهن خواننده چندان سهل و آشنا نیست و دقیقاً همین مورد، موجب هنری شدن بیان‌شان می‌شود. ارتباط بین عناصری که غرابت دارند، در سرتاسر آثار این دو شاعر مشهود است.

شفیعی کدکنی در خصوص زاویه‌ی تشبیه و رابطه‌ی مشبه و مشبه‌به، می‌گوید: «هر قدر زاویه‌ی تشبیه بازتر باشد یعنی ربط مشبه و مشبه به دورتر باشد، تشبیه هنری‌تر است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۱۴) در اشعار این دو شاعر، علاوه بر مضامین هنری بکر، فاصله‌ی «راوی و شاعر» بسیار اندک است؛ و در نتیجه اشعار، حال واقعی صاحب اثر است.

۱-۲ ارتباط خودشیفتگی و تسلیم‌ناپذیری

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۹۵

خودشیفتگی حالتی است که فرد، به طرز افراطی، توانایی‌ها و زیبایی‌های خود را خاص می‌داند و به خویش عشق می‌ورزد؛ در حالی که در درون از خویش رضایت ندارد. اظهار عجز نکردن، یکی از ابعاد خودشیفتگی است؛ فرد خودشیفته، خود و توانایی‌هایش را بسیار ویژه می‌داند و تصویری عاجزانه از خویش ارائه نمی‌کند چرا که عزت‌نفسی ناپایدار دارد. (کوهات، ۱۳۹۷: ۸۵) فرد دارای عزت‌نفس، به هنگام مواجهه با مشکلات، در حالی که از عملکرد خویش رضایت دارد، قدرتمندانه در پی حل و فصل کردن برمی‌آید و یا راهبرد صبر در پیش می‌گیرد؛ اما هنگامی که این برخورد مثبت به شکل افراطی صورت گیرد، ما می‌توانیم با نارضایتی درونی فرد، عزت‌نفس کاذب و یا خودشیفتگی مواجه شویم. (براندن، ۱۳۹۵: ۷۵) افزایش سن، ناتوانی‌های جسمی و روحی و تفکر مرگ، می‌تواند عزت‌نفس متزلزل فرد خودشیفته را کاملاً تحت شعاع قرار دهد؛ به همین علت، طی فرآیندی جبرانی، خود را همچنان نیرومند و توانا می‌داند و گاه ادعا می‌کند که از مرگ، باکی ندارد. (نوری، ۱۳۹۴: ۱۰۸) بنابراین فرد خودشیفته به دلیل تنفر از ارائه‌ی تصویر برآمده از عجز و برای صیانت از ارزش شخصیتی خود، در برخی موارد، ناتوانی خود را بروز نمی‌دهد و عزت‌نفس کاذب را چون زرهی حفظ می‌کند؛ حتی ممکن است آن شرایط را برای خویش مطلوب جلوه دهد و یا توانایی‌های خویش را فراتر از آن مشکل‌نشان داده، با اساطیر، همگون‌سازی شخصیتی کند یا با تشبیه تفضیل، مقام خویش را از آن‌ها فراتر جلوه دهد. از دید فروید، شخصیت هر فرد، اگر از طریق هیجانانگیز، اضطرابانگیز، تحقیرها و شکست‌ها مورد تهدید جدی قرار گیرد، ضمیر ناخودآگاه وی به دفاع برمی‌خیزد. واکنش‌های دفاعی روان، جنبشی طبیعی است که در همه‌ی افراد وجود دارد اما اگر این فعالیت روانی به طرز افراطی صورت پذیرد، موجب خودفریبی و گریز از واقعیت می‌شود. گاهی فرد از طریق «مکانیزم جبران»، با مبالغه کردن در توانایی‌های خود و افراط در یک صفت پسندیده، بر ضعف‌ها و کمبودهای خویش سرپوش می‌گذارد. برخی اوقات، جبران از طریق توجه فرد به الگوهای برتر و تشبیه خود به آن‌ها

۹۶ *دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

شکل می‌گیرد. فرد از طریق فرآیند نمادسازی و به کارگیری لغتی به جای لغت دیگر، تمایلات واپس‌رانده‌ی خود را به شکل نامحسوس و ناخودآگاه بیان می‌کند. (فروید، ۱۳۸۴: ۱۶۱ و ۴۵ و ۲۷ و ۱۱) فروید همچنین می‌گوید که: «انسان خودشیفته در پی به یادگار گذاشتن «خودِ آرمانی» و تصویر بی‌نقص از خویش است... او به دنبال قدرت مطلق بودن است.» (فروید، ۱۳۸۲: ۲۷ و ۲۳) گاه فرد خودشیفته خواستار ادغام کلی شخصیت خویش با افراد و موجودات اساطیری است. (ر.ک، کوهات، ۱۳۹۷: ۴۴) از دید روان‌کاوا اتریشی، «ویلهلم رایش» (Wilhelm Reich) (۱۹۳۳-۱۹۴۹) تیپ متکبر، قوی، همه‌توان و گردن‌فراز، معمولاً با اصطلاح «خودشیفته-قضیبی» شناخته می‌شود. او گفت خودشیفته‌ی قضیبی، شخصیتی با اعتماد به نفس، متکبر، قوی و برانگیزاننده است. او یک نوع تنومند است و از فرمانبرداری متنفر است. هنگام آسیب، با پرخاشگری شدید واکنش نشان می‌دهد. خودشیفتگی وی، در نمایش اغراق آمیزش از احساس اعتماد به نفس، بزرگی و برتری توصیف می‌شود. (نوری، ۱۳۹۵: ۲۴) «خیال‌بافی، تحقیر دیگران و آرمانی‌ساختن، از مؤلفه‌های دفاع روانی هستند.» (حیبی و اصغری، ۱۳۹۸: ۷۰) شاعر خودشیفته، با ساختن دژی محکم حول توانایی‌های خویش، اقتدار خود را رسوخ‌ناپذیر جلوه می‌دهد. بسیاری از منابع، خودشیفتگی و گردن‌فرازی را یک پدیده‌ی روانی سراسر منفی دانسته‌اند؛ در حالی که موارد مثبت از قبیل تفکرات آرمانی، امیدواری قدرتمندانه، ستم‌ناپذیری و... در روان و اعمال فرد برمنش می‌تواند جلوه‌گر شود. می‌توان گفت آثار این دو شاعر در مرزی میان عزت‌نفس و خودشیفتگی در حرکت است. از فحوای اشعار حمیدی و شاملو می‌توان دریافت که آن‌ها به هنگام رویارویی با ناکامی‌ها، یا مرکز کنترل مشکلات را "خود" و توانایی‌های خویش می‌دانند و یا جهان خارج (اطرافیان، سیاست، اجتماع، مقدسات و...) را مقصر جلوه می‌دهند؛ در هر دو صورت، آن‌ها در پی حفاظت از شخصیت والای خویش هستند. لاکان می‌گوید والدین، قانون، جامعه، مذهب و هر نیرو و نهادی که در روند شکل‌گیری شخصیت و باورها مؤثرند «دیگری بزرگ» محسوب می‌شوند که اجزای اصلی «امر نمادین» می‌باشند (هومر، ۱۳۹۴: ۱۰۱). در شاعران مغرور و

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۹۷

برمنش، تقابل با «دیگری بزرگ» بسیار شدید است. بر اساس تئوری تیپ‌شناسی شخصیت «آنیگرام»، می‌توان گفت فرم شخصیتی حمیدی و شاملو، زیرمجموعه‌ی تیپ‌های «فردگرا، موفقیت‌طلب و رهبر» بوده است (خمرزایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۱ و ۱۱۵). در این جستار، به دلیل کمبود فضا، همه‌ی شاهدهای شعری ذکر نگشت و تنها عناوین یا توضیحاتی از آن‌ها ذکر شد؛ همچنین در بررسی آثار حمیدی، تنها به کتاب «اشک معشوق» که سه جلد در یک مجلد و مهم‌ترین اثر وی می‌باشد پرداخته شد.

۳. تحلیل داده‌های پژوهش

۱-۳ تحلیل زندگی و اشعار حمیدی شیرازی

- تحلیل زندگی و اشعار حمیدی شیرازی بر مبنای تسلیم‌ناپذیری

گردن‌فرازی در آثار حمیدی، بسیار پررنگ است و با صراحت و صدق زیاد، خود نمایی می‌کند. دربارهٔ زمینه‌های تکوین برمنشی در روان حمیدی، می‌توان به فقدان پدر در کودکی او اشاره کرد. (ر.ک، حمیدی شیرازی، ۱۳۷۸: ۵۵۷) طبق دیدگاه روان‌کاوان، تحسین کودک از سوی پدر و کسب تصویر آرمانی از پدر توسط کودک، در شخصیت‌سازی و اعتماد به نفس کودک بسیار مؤثر است؛ اگر این نیاز فرد در کودکی برآورده نشود، موجب درون‌گرایی و توجه افراطی بر ارزش‌های خویشتن می‌شود و در پی به دست دادن تصویری بی‌نقص و قوی از خویش برمی‌آید. (کوهات، ۱۳۹۷: ۳۴-۳۳؛ فروید، ۱۳۸۲: ۱۱) از سویی دیگر به دلیل محروم شدن حمیدی از پدر، مادر نقشی اساسی در تربیت و محبت به وی داشت؛ مه‌ری که شاید بیش از حد نثار شاعر گردید! روان‌کاوان می‌گویند که: «کسب توجه بیش از حد از سوی دیگران، مانند کمبود توجه، می‌تواند در خودشیفتگی فرد مؤثر باشد.» (لچکار، ۱۳۹۶: ۶۴) حمیدی، هنگامی که در سال ۱۳۱۸ به تدریس در دبیرستان‌های شیراز مشغول بود، شیفته‌ی دختری به نام «منیژه» شد که به دلیل موانع خانوادگی، چند روز پیش از عقد، کار به جدایی کشید؛ این واقعه در زندگی و آثار منظوم شاعر، تأثیر مستقیم داشت. وی تا پایان عمر،

۹۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

منیژه را فراموش نکرد. (برومند، ۱۳۹۲، ۱۲-۸) از دید زیگموند فروید، شکست عشقی، به شدت اعتماد به نفس و عزت‌نفس را به چالش می‌کشد. (فروید، ۱۳۸۲، ۲۷) بنابراین، فقدان ناگهانی عشق، در زندگی و روان شاعر شیرازی، اتفاق ناگواری بود که موجب تأثیر منفی بر عزت‌نفس وی شد؛ همین مسئله، زمینه‌ای برای روی آوردن شاعر به ستایش خویشتن برای جبران این کاستی شد.

شاعر با وجود دشواری‌های روانی و بیماری‌های جسمی که در طول زندگی با آن مواجه شده بود، تا پایان عمر، برای شعرسرایی از پای ننشست و همچنان هنرش را در معرض دید عموم قرار داد؛ این وجه از تلاش وی، سودمند و لایق ستایش است. (ر.ک، حمیدی، ۱۳۷۸: ۴)

- اظهار عجز نکردن در مقام عاشق

حمیدی، در ۲۷ مورد از اشعار، خود را در برابر معشوق، «سلیمان»، «خاقان‌چین»، «رستم»، «شیرزیان»، «قوچ سرکش» و... تصویر نموده و در مقابل، معشوق را «گرگ ضعیف»، «زغن» و... نامیده است. (حمیدی شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۸۴، ۴۶۰، ۳۷۵، ۳۳۹، ۲۴۸، ۲۱۸، ۲۰۹، ۱۷۸، ۱۶۲-۱۶۳، ۱۴۹، ۱۳۸، ۱۳۳، ۱۲۶-۱۲۵، ۱۲۳، ۱۲۲-۱۲۱، ۱۱۵، ۱۰۹، ۸۴-۸۲، ۸۰، ۶۸، ۶۰، ۴۹) او در زمان ضعف روانی به دلیل شکست عشقی، به منظور تسلیم‌ناپذیری و حفظ تصویری آرمانی، خود را قدرتمند جلوه داده است.

ای پشت مرا ز غم دو تا کرده
با من همه جور کرده تا کرده
... چون گرگ ضعیف قوچ سرکش را
نه کشته و خورده نه رها کرده
(همان: ۵۲۲)

حمیدی در شعر «گناه من»، خود را به لحاظ ایستادگی مقابل سنگ‌دلی‌های معشوق، به شراری سرکش تشبیه نموده است. (همان: ۹)

او در اثر «فرشته‌ی گناهکار»، ضمن این که از گرفتار شدن در بند گیسوی نگار می‌گوید، خود را «خاقان‌چین» می‌داند که در بند تهمتن اسیر شده بود. (همان: ۹۸)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۹۹

در بیتی، صبر زیاد خویش مقابل دشواری‌های عشق را به انتظار حضرت یعقوب(ع) برای دیدار یوسف(ع) همانند ساخته است.

توان و طاقت یعقوبیم اگر بسر آمد
نشان دلبر کنعان و بوی پیرهنم کو؟
(همان: ۱۵۵)

– گردن‌فرازی و تشبیه خویش به الگوهای قدرتمندانه و اساطیری

شاعر در راستای محافظت از تصویر آرمانی خود، ادغام شخصیت خویش با مواردی چون بیژن، اسفندیار، عیسی (ع)، یعقوب (ع) آهن سرد، تیغ تیز و... را برگزیده است. در برخی اشعار، تسلیم‌وار، عجز خویش را بیان می‌کند اما در ابیات دیگر، با گردن‌فرازی‌ها و یا تشبیه خویش به چهره‌های والا و پهلوانان شکسته خورده، اعتراف به ضعف خود را جبران می‌کند. او در شعر «پایان» و در اثری دیگر، برای بیان آسیب دیدن از روزگار و پاک‌دامنی خویش، خود را به اسفندیار و یوسف(ع) تشبیه کرده است. زاویه‌ی تشبیه در این ابیات به حدی بسته است که گویی شاعر، خود را در چهره‌ی افراد آرمانی دیده است؛ تشنگی ادغام وی با شخصیت یوسف (ع) و اسفندیار، به وضوح قابل رؤیت است. (حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۹۳)

... کور شد چشمم ای تهمتن چرخ!
... نیست یعقوب و گرنه می‌آید
بینی آخر که من نه روی تنم
بوی یوسف ز چاک پیرهنم!
(همان: ۲۵۴)

شاعر با وجود ناکامی‌ها، توانایی خود در رسیدن به جایگاه والا را، به بازگشت مسیح (ع) از زمینِ اندوه‌زا، به آسمان‌ها همانند کرده است.

... زمین، فی‌المثل گر نگشتم بکام
نماندم چون عیسی بروی زمی!
(همان: ۵۳۹)

۱۰۰۰ *دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

حمیدی در اشعار «آهنگ مسافرت او» و «نغمه‌ی تاریکی»، خود را به لحاظ محصور شدن در بلایا و غم هجران، به «بیژن»، پهلوان خوش‌نام شاهنامه همانند کرده است؛ حتی شرایط خویش را بحرانی‌تر توصیف نموده است. (همان: ۱۷۲ و ۲۳)

شاعر، وجود خود را به قدری مقتدر توصیف می‌کند که گویی هیچ اندوهی را، یارای شکست دادن وی نیست؛ او در مواجهه با دشواری‌ها، قدرت خویش را به آهن فشرده‌ای همانند می‌سازد که در پارچه‌های گران‌بها پیچیده شده است. حمیدی می‌گوید حتی هنگامی که شوکران مرگ را می‌نوشم، به اعتبار آوازه‌ی خویش، گویی زنده‌تر می‌شوم. او در شعری، قدرت روانی‌اش را به "شیر نر" همانند ساخته است؛ افراد سرزنش‌گر را "گرازهایی" خطاب کرده که از سوی آن‌ها هیچ گزندی به وی نمی‌رسد. (همان: ۶۴) از دید روان‌شناسی، گاهی، واکنش به احساس حقارت، از طریق بروز خشم نیز، جلوه‌گر می‌شود. (گلستانی‌بخت و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۳)

... در بر تیر بلا آهن بفشرده‌ی سردم...	... برهنه تیغم و پیچیده بدیا و حریرم
شیرمردم که ز صیاد کمانگیر نترسم	گر تو از خویش نترسی که من آماده‌ی تیرم
... گر فرومایه‌ای از مردن من شادروان شد	او ندانست که من زنده‌تر آیم چو بمیرم

(حمیدی شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۶)

در شعر «طوفان»، قلب و احساس خویش را در مقابله با دشواری‌ها، «پهلوان» دانسته است؛ او روح خود را به هنگام مواجهه با مصیبت‌ها، دریایی عمیق و طوفانی تصور نموده که هر اندوهی را در وجود خود حل و پنهان می‌سازد. (همان: ۱۱۸)

حمیدی، دل خویش را به لحاظ غم‌خواری، به روان اندوهناک «کتایون» مادر اسفندیار، از زنان نامدار شاهنامه تشبیه کرده است؛ مادری که باید برای فرزند خویش در نبرد با روزگاری که نیروی رستم‌گونه دارد، خون‌گریه کند! (همان: ۱۲۵-۱۲۴)

در شعر «من»، رنج‌های طاقت‌فرسایی که بر جسم و جاننش وارد آمده بود را به زخم تیر تشبیه کرده و در مقابل، خود را چون «فرهاد کوه‌کن» می‌داند؛ حمیدی، روزگار غم‌بار

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۱۰۱

خود را به زندگی پُراندهٔ شاعران سرشناسی چون «خاقانی» (۵۹۵-۵۲۰) و «مسعود سعد» (۵۱۸-۴۳۸) تشبیه نموده است؛ او خود را به مسیحا همانند می‌سازد که از نعمت پدر محروم بوده و همواره آماج بلایای روزگار قرار گرفته است. در این اثر، خود را به لحاظ دانشمند بودن در عین ناتوانی جسمی و روانی، چون «نخل برومند» می‌داند که از سنگینی بارِ ثمره‌ی دانش، شاخه‌ی آن شکسته و فرتوت شده است. (همان، ۱۳۷۸: ۱۵۴-۱۵۳) در شعری دیگر، وجود خود را در میان آتش بلایا و مصیبت‌ها به نخلی بارور تشبیه کرده است: بارور نخل برومندم که اندر آتشم (همان: ۳۸۸)

اشعار «خروش دریا» و «تکیه‌گاه یاسمن»، بیانگر اوج تلاش شاعر برای حفاظت از من قدرتمند خویش است؛ در این آثار، خود را «تیغِ لاغر»، «شمشیر بر گردن دیو تیره»، «آهن پوشیده زنگار»، «زخمه»، «مُشکِ آذَر»، «بزرگ دریا»، «سرنا در گوشِ کرِ زمانه»، «ثابت‌قدم چو کوه پابرجا» و «بحر گوه‌رافزا» خطاب کرده است. حمیدی در مقابلِ آزمون دهر، به مرور، تواناتر و شکوفاتر می‌شود. او آسمان را تهدید می‌کند که پهلو به پهلو وی نزند چرا که وجودی خشمگین و قدرتمند چون شمشیر دارد. شاعر، در مواجهه با دشواری‌ها، توانایی‌های خویش را از بقیه متمایز می‌کند. روح دردآلودش از زخمه‌های روزگار را چون ساز بریط می‌داند. (همان: ۲۴۸ و ۲۰۹)

در شعر «جانشین من»، به منظور بیان اقتدار در پنجه افکندن با قضا و قدر، شخصیت خود را طی ادغامی با رستم و اسفندیار، نیرومند و روین‌تن توصیف کرده است؛ حمیدی، وجود رسوخ‌ناپذیر خود را چون آهنی سخت می‌داند و بلایای روزگار را خاری ضعیف تصور می‌کند که در وی تأثیری ندارند. روح عصیان‌گر خود را آتشی گدازان می‌داند که دشواری‌های روزگار، با دمیدن در آن، ذات سرکش وی را شعله‌ورتر می‌کنند؛ او قدرت تحمل خود را چون آهن زنگار گرفته‌ای می‌داند که با صیقل بلایای زمانه، درخشان‌تر و کارآمدتر

۱۰۲ *دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

می‌شود. باد سرد بی‌مهری، در روان شاعر شیرازی، تأثیری ندارد و حتی شخصیت او را شکوفاتر می‌سازد.

آسمانا! گر زمستی بر تن من تن زدی پنجه با رستم فکندی، تن بروئین تن زدی...
(همان: ۲۴۳-۲۴۱)

وجود شاعر به قدری از بلایای روزگار، آتشین و خشمگین است که اگر به کوهی تکیه بزند، آن کوه همچون موم می‌گدازد: اگر بکوه زدم تکیه، همچو موم گداخت (همان: ۳۳۱)

- تقابل گردن‌فرازانه با رویدادهای بیماری، کهن‌سالی و مرگ

حمیدی، مدتی مدید را با بیماری‌های جسمانی سپری کرد. (ر.ک، حمیدی شیرازی، ۱۳۷۸: ۴) او در شعر «در بستر بیماری»، با وجود ضعف جسمانی، نیرومندانه، چنگ در چنگ قضا و قدر می‌اندازد تا سرنوشت خویش را تغییر دهد. شاعر بازوی قدرت قضا را از بیخ می‌کند! (همان: ۲۰۸) در شعری دیگر، سالخوردگی و بیماری خود را با بیان محبویت و تشبیه خویش به کوه الوند، پنهان ساخته است. در اثری، علت تنهایی خود را ارزشمندی وجود بهشتی‌اش می‌داند؛ او به هنگام پیچیدن گرد خویش از فرط درد، خود را چون ماری می‌داند که حافظ گنج الهی یا همان «قرآن مجید» است؛ از سویی، منظور شاعر از گنج الهی، می‌تواند اشعار وی باشد که با وجود ثروتمند نبودن، آن‌ها را چون گنجی مقدس، داراست.

وگر کسی ز رفیقان حال من پرسد بگو که هست و هنوزش هزار دل‌بند است
نهییب پیری و تیمار چشم و ریزش تنش به لرزه نیارد که کوه الوند است
قلب (همان: دوازده)

... یا نه، گلزار بهشتم زانکه تنها مانده خوار
حافظ گنج‌الهم از چه می‌پیچم چو مار
گر نباشد گنج باد و دیبه و خضرای من
(همان: ۳۸۹-۳۸۸)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی) ۱۰۳

حمیدی در شعر «گزند پیری»، مدعی است که هیچ نگرانی از موی سپید خود ندارد. او خود را به شیری تشبیه می‌کند که در بند شده و رقیبان و دشمنان، چون کفتاران، از دستاوردهای وی بهره می‌برند؛ شاعر خود را بی‌اعتنا به این پیشامدها نشان می‌دهد چرا که معتقد است آرمان‌های والای شیری چون وی، با اهداف کوچک کفتارها و گرگ‌ها، همسو نیست. (همان: ۴۵۶)

او در شعری می‌گوید که قامت افراشته‌ی چون «سنان» وی، به دلیل گردش روزگار، چون «شمشیر»، دوتا شده است؛ حتی برای بیان خمیدگی قامتش از تصاویر برآمده از استحکام و قدرت استفاده می‌نماید. (همان: ۲۴۷)

شاعر شیرازی در شعر «به قلم»، خطاب به طبع شعری‌اش می‌گوید که همچنان جوان و پرشور باقی بماند چرا که من هنوز بُرنا و پرآوازه هستم و طبعی چون بلبل دارم. او سرشت خود را کوه آتش‌فشانی خوانده که روی به خاموشی نمی‌گذارد. شاعر می‌گوید هنوز آثار خزان پیری بر چهره‌ی چون بهار وی هویدا نگشته است. حمیدی در شعری، ادعا می‌کند که با وجود دشواری‌ها و سن زیاد، هنوز بازار دلبری و بارگاه سخنوری‌اش رونق دارد. (همان: ۶۰)

جوان باش، زیرا جوانم هنوز
اگر تو همان بحر زاینده‌ای
بباغ جهان زندخوانم هنوز
من آن کوه آتشفشانم هنوز
(همان: ۳۰۰)

او در شعری می‌گوید که پس از ازدواج، در آرزوی عشق از دست رفته بود؛ همسر وی تلاش داشت او را متوجه سن زیادش کند اما شاعر، خود را «شرابی کهنه» دانسته که سُکرآورتر از همیشه است.

...غافل که گر پیرم شراب کهنه‌ام
هر سال مستی‌ده تر از پارینه‌ام
(همان: ۴۷۹)

۱۰۴ *دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

در شعر «شادی و اندوه»، بیان کرده که از «هیولای مرگ» باکی ندارد و با همه‌ی وجود خواستار آن است.

... من ز هیولای مرگ باک ندارم باک ندارید اگر شما، بدرآئید
(همان: ۲۸۰)

شاعر حتی در شعر وصیت‌گونه‌ی خویش، هنگام تصوّر آرمیدن در دل خاک، دست از گردن‌فرازی و خودپسندی برنداشته و خود را در آغوش خاک، به دریای گوهری تشبیه نموده که در دل زمین پنهان شده است.

گوری بکن و دست بر او نه و بر گوی کاینجاست که پنهان شد بحر گهر من!
(همان: ۵۵)

۲-۳ تحلیل زندگی و اشعار شاملو

- تحلیل زندگی و اشعار شاملو بر مبنای تسلیم‌ناپذیری

زندگانی شاملو، فاصله‌ی تقریباً زیادی با حیات معمولی یک انسان داشت. او از کودکی و نوجوانی خویش، خاطره‌ی خوبی ندارد. استعدادهایش از دوران طفولیت مورد تأیید و تحسین واقع نشد و به عکس، سرکوب گشت؛ او هیچ‌گاه نتوانست شخصیتی آرمانی، آرامش‌بخش و قابل افتخار را در والدین خویش ببیند. پدری سخت‌گیر داشت. (بهار، ۱۳۸۸: ۴۱ و ۸-۱۱) از دید روان‌کاوان برای پی‌ریزی شخصیت، دریافت تأیید کودک از سوی پدر و مادر و همچنین اخذ تصویری آرمانی و قدرتمند از والدین باید حتماً در زندگی وجود داشته باشد؛ هرکدام از این بخش‌ها که با اختلال مواجه شود، موجب ایجاد خلأهای روانی می‌شود و اگر این نیازها بسته به شرایط سنی، متعالی نشود، فرد تا پایان عمر در همان مرحله‌ی آغازین نیازهای کودکی از قبیل کسب توجه و آرمان‌جویی می‌ماند. (کوهات، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۰) شاملو در اشعار خویش، همواره انواع آرمان‌طلبی‌ها را به نمایش گذاشت و با بیانی خودشیفته‌وار، سعی در

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۱۰۵

اسطوره‌ای نشان دادن شخصیت خویش داشت. همان‌گونه که ذکر شد، پدر یا "دیگری- بزرگ" در ذهن، معادل قانون است؛ شاملو به دلیل داشتن پدری سخت‌گیر، از کودکی مقابل هر هنجار، عرف و قانون، گارد دفاعی داشته است. در دیوان شاملو، شعری که سراسر اظهار عجز باشد کمتر یافت می‌شود. وی دارای روحی حماسی و مبارز است؛ به قول وی: «در برابر هر حماسه من ایستاده بودم!» (شاملو، ۱۳۹۴: ۲۹۶) موضوع «آزادی»، در آثار وی، در بالاترین درجه‌ی اهمیت قرار دارد. او «غول زیبای» شعر معاصر است که در مرز میان خدا و انسان ایستاده و به هیچ وجه تسلیم تقدیر نمی‌شود. شاملو در پی خلق یک "من اساطیری و آرمانی" است. لحنی کلی بر اشعار شاملو حاکم است که می‌توان آن را لحن «اقتدار» نامید. او از روح عصیان‌گر خویش آگاهی دارد و آن را در شعر «آیدا در آینه» به «زندانی ستمگری» تشبیه نموده است که به آواز زنجیرش خو نمی‌کند و دربند نمی‌شود (همان: ۱۳۴)

شاملو پذیرای ستم نیست؛ گویی او در شعری به حماسه‌ی اسطوره‌ای امام حسین (ع) اشاره دارد.

خوشا عطشان مردن/ که لب تر کردن از این گردن نهادن/ به خفت تسلیم است (همان: ۹۳۳)

در «در رزم زنده‌گی» از دفتر «هوای تازه» به مخاطب می‌گوید: بیرون کش از نیام/ از زور و ناتوانیِ خود هر دو ساخته/ تیغی دو دم! (همان: ۱۵۱)

او در اثر «شبانه» از دفتر «هوای تازه»، قلب و بازوی خود را که مظهر دو قطب تقریباً متضاد احساسات و نیرومندی است، در یک بند با هم به کار برده است. او گرچه چون خاکستری سرد، دریایی آرام و سردابی تاریک به نظر می‌رسد اما شعله‌ی همه‌ی عصیان‌ها، فریاد همه‌ی توفان‌ها و آتش همه‌ی ایمان‌ها در جانش تنوره می‌کشد!

شبانه شعری چگونه توان نوشت/ تا هم از قلب من سخن بگوید، هم از بازویم؟/ من آن خاکستر سردم که در من شعله‌ی همه عصیان‌هاست،/ من آن دریای آرامم که در من فریاد همه توفان‌هاست،/ من آن سرداب تاریکم که در من آتش همه ایمان‌هاست. (همان: ۱۷۴)

۱۰۶ *دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

در آثار «رکسانا» و «خفاش شب» از دفتر «هوای تازه»، با تصاویری سرشار از تیرگی و ناامیدی مواجه می‌شویم؛ اما در آن مضامین، تلاش‌های شاعر برای نشان ندادن عجز، درخور توجه است؛ او در آتشِ دشواری‌ها مانند اسپند در حال گداختن است اما سکوت را ترجیح می‌دهد. اشک سرشار، دیدگان شاملو را تار کرده است اما در تلاش است که آن را مخفی نماید.

... فریاد اگر چه بسته مرا راه بر گلو / دارم تلاش تا نکشم از جگر خروش. / اسپندوار اگر چه بر آتش نشسته‌ام / بنشسته‌ام خموش. / وز اشک گرچه حلقه به دو دیده بسته‌ام / پیچم به خویشان که نریزد به دامنم. (همان: ۲۴۵ و ۱۳۲)

در «شعر روز» و «ماهی» از دفتر «باغ آینه» و «وصل» از دفتر «لحظه‌ها و همیشه» روحیه‌ی تسلیم‌ناپذیر الف بامداد به وضوح مشاهده می‌شود. او در بطن دنیایی آکنده از رنگ و بوی تاریکی و مرگ، روشنایی و زندگی را با ایمانی راسخ احساس می‌کند و از دل شوره‌زار ناامیدی، جنگل‌هایی با نشاط از امیدواری، می‌رویاند. (همان: ۳۳۵ و ۴۴۴)

چراغی به دستم چراغی در برابرم. / من به جنگ سپاهی می‌روم. (ر.ک، همان: ۳۸۸)

در شعر «نگاه کن» از دفتر «هوای تازه» می‌گوید: عشقم را در سال بد یافتم / و هنگامی که داشتم خاکستر می‌شدم / گر گرفتم. (همان: ۲۱۲)

همچنین در شعر «شامگاهی» از دفتر «مرثیه‌های خاک»، خود را با پرسشی در خصوص حالت اندوه خویش، خطاب قرار می‌دهد و در پاسخ، از لغات امیدوارکننده استفاده می‌نماید؛ او صفات «ویران» و «تنها» را درخور خویش نمی‌داند و به چشم‌انداز «امید آباد» خود می‌نگرد. الف بامداد، غروب اندیشه و احساس را نمی‌پسندد و همیشه در انتظار خورشید زرین‌بال امید و آرزوست! گرچه شاید فرصتش تنگ‌مایه‌ای باشد! وی ادعا می‌کند که تنهایی وی حالت اعتکاف و تزکیه‌ی نفس دارد.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی) ۱۰۷

– نظر در تو می‌کنم ای بامداد/ با همه جمع چه تنها نشسته‌ای!/ – تنها نشسته‌ام؟/ نه/ که تنها فارغ از من و ما نشسته‌ام./... ویران نشسته‌ام؟/ آری،/ و به چشم‌اندازِ امیدِ آبادِ خویش می‌نگرم... (همان: ۱۹۳-۱۹۱)

در شعر «شبان» از دفتر «باغ آینه» می‌خواهد خنجری از ستارگان داشته باشد تا با خشم به جنگ ظلمات برخیزد. (همان: ۳۵۹)

شاملو در شعر «بیمار» از دفتر «هوای تازه» امید مقتدرانه‌ی خویش را در زمینه‌ی نجات جامعه‌ی به‌گل‌نشسته از سختی‌ها بیان می‌کند. (همان: ۹۶)

الف. بامداد در شعر «پردن» از دفتر «دشنه در دیس»، می‌گوید با وجود دام و زندان، رهایی، تنها مسئله‌ای است که برای وی اهمیت دارد و بدون خستگی آن را به دست می‌آورد. (همان: ۸۰۱)

– تواضع نکردن در مقام عاشق

او در موضع عشق نیز، خودشکنی نکرده است. از دید شاملو، قلب زنی که وی را کودک دست‌نواز خود کند، چیزی عظیم‌تر از تمام ستارگان و خدایان است؛ گویی چنین کسی لیاقت دارد معشوق شاملو باشد. (شاملو، ۱۳۹۴: ۲۶۸)

در شعری از دفتر «هوای تازه»، در عین این که مضمونی عاشقانه را بیان می‌کند از توصیف روح پاک و ستودنی خویش، غافل نشده است. ترک شدن توسط معشوق، چندان برای وی پراهمیت نمی‌نماید و یا او این‌گونه بروز می‌دهد.

... من چنان آینه‌وار/ در نظرگاه تو استادم پاک/ که چو رفتی ز برم/ چیزی از ماحصل عشق تو برجای نماند/ در خیال و نظرم. (همان: ۱۸۱)

۱۰۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

شعر «با سماجت یک الماس» از دفتر «هوای تازه»، حکایت از سماجت زیبای شاملو در راه عشق دارد؛ او به معشوق می‌گوید که عشق ارزشمند خویش را بلع قلب گرسنه‌ی وی کرده است! در این اثر خبری از خاکساری عاشقانه نیست. (همان: ۲۵۱)

در «غزل آخرین انزوا» از دفتر «هوای تازه»، جامه‌ی پشمین صبر را با وجود طاقت فرسا بودن و گزندگی، بر تن زخمینِ خاطره‌های کبود و دردناک خویش می‌پوشد تا دیگر هیچ‌گاه عشق‌های وازده را گدایی نکند. «پیراهن پشمین» ما را به یاد رسم صوفیان می‌اندازد که برای جلوگیری از گناه، بدن خود را با «پشمینه‌پوشی» در عذاب می‌انداختند که در آسایش، تفکر غیر از گوهر مقصود، به ذهنشان خطور نکند. (وکیلی و قریب، ۱۳۹۷: ۲۳۷)

شاعر به صورت مُضمر، خود را به صوفیان تشبیه نموده است: پیراهن پشمین صبر بر زخم‌های خاطره‌ام می‌پوشم و دیگر هیچ‌گاه به دریوزه‌گیِ عشق‌های وازده بر دروازه‌ی کوتاه قلب‌های گذشته حلقه نمی‌زنم. (همان: ۲۷۰)

– ستم‌ناپذیری

شاملو در شعر «بر کدام جنازه زار می‌زند» از دفتر «در آستانه» خواستار برخاستن مردم مظلوم غمگین برای احقاق حقشان است. او، راه نجات را در فسرده‌گی و بی‌حرکتی نمی‌بیند و مخالف سکون و ظلم‌پذیری است. (شاملو، ۱۳۹۴: ۹۷۹)

شاعر در «سرود پنجم» از دفتر «آیدا در آینه»، به تراژدی «هملت»، اثر «شکسپیر» اشاره دارد و خود را به لحاظ یورش بر ستمگر (کلادیوس)، برادر «اوفلیا» (لائرتس)، معشوق هملت می‌داند؛ هملت، شاهزاده‌ی دانمارک بوده است که پس از مرگ پدر، متوجه می‌شود که عمویش «کلادیوس»، مقام شاهی را تصاحب نموده است. پس از جریاناتی، هملت و لائرتس که به دست کلادیوس زخمی شدند، به او حمله‌ور شده، وی را به قتل می‌رسانند و خود نیز، کشته می‌شوند. (ر.ک، شکسپیر: ۱۳۶۰) شاملو با روحیه‌ای حق‌طلب، همه‌ی کلادیوس‌های تاریخ را خطاب قرار داده و آن‌ها را از وجود خویش بیم داده است. وجودی که حتی اگر خود نیز نابود شود، آن‌ها را نابود می‌سازد: ...ای کلادیوس‌ها/ من برادر اوفلیای بی‌دست و

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۱۰۹

پایم / و امواج پهنایی که او را به ابدیت می‌برد / مرا به سرزمین شما افکنده است (شاملو، ۱۳۹۴: ۴۷۶)

شاملو در «شبانه» (۲ مورد) و «گمشده» از دفتر «هوای تاز» که در سال ۱۳۳۳ در زندان قصر سرود، خود را در زندان، بی‌خوف و خیال‌وصف نموده است. (همان: ۹۹) او در ظلمات ناامیدی، از امیدی که از لا به لای حصار آهنین تلخی‌ها و ستم‌ها، نورافشانی کرده و از ماه، ستاره و باغ که نماد امیدواری و رویش هستند سخن گفته است. از راه پاک شهیدان گفته و از این طریق پایداری خود را در راه حق‌طلبی به اثبات رسانده است. او نشان داده که از عملی که موجب به زندان افتادنش مرتکب شده پشیمان نیست و ادامه‌دهنده‌ی مسیر شهیدان راه آزادی است. (همان: ۷۱-۷۰) در همین دفتر شعری، اثری به نام «افق روشن» دارد. در این شعر نیز رنگی زیبا و قوی از امید را می‌توان یافت؛ امیدی که حتی پس از مرگ شاعر در رگ‌های وی جریان دارد.

روزی ما دوباره کبوترهای مان را پیدا خواهیم کرد /... حتا روزی که دیگر نباشم. (همان: ۷۷)
یه شب مهتاب / ماه میاد تو خواب / منو می‌بره / کوچه به کوچه / باغ انگوری / باغ آلوچه... (همان: ۷۵-۷۴)

شاعر در «منظومه پریا» از دفتر «هوای تازه»، «قصیده برای انسان ماه بهمن» از دفتر «قطع‌نامه»، «و حسرتی» از دفتر «مرثیه‌های خاک»، «کوچه» از دفتر «باغ آینه» و «تا شکوفه‌ی سرخ یک پیراهن»، از دفتر «قطع‌نامه» ضمن بیان اندوه از ستم‌ها، ظلم‌های حکومت را به سختی مورد نقد قرار داده، با صراحت به شخصیت حاکمان اهانت کرده، پایداری خویش تا سرحد اعدام را اعلام می‌نماید. (همان: ۳۷۳ و ۱۹۹ و ۱۹۶ و ۶۲ و ۶۱)

۱۱۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

- گردن‌فرازی و تشبیه خویش به الگوهای قدرتمندانه و اساطیری

در اشعار «هجرائی» از دفتر «ترانه‌های کوچک غربت» و «قصیده برای انسان ماه بهمن» از دفتر «قطع‌نامه» شکست مقتدرانه را با نماد استقامت (کوه) توصیف کرده و ستوده است: کوهوار / درهم می‌شکنیم (همان: ۸۱۳) تو نمی‌دانی غریبو یک عظمت / وقتی که در شکنجه‌ی یک شکست نمی‌نال / چه کوهی ست! (شاملو، ۱۳۹۴: ۶۲)

در «سرود ششم» از دفتر «حدیث بی‌قراری ماهان»، با تشبیه خود به درخت، آغاز و پایان و مایه‌ی آرامش کسی بودن را تنها هنر خویش معرفی می‌کند که نوعی تواضع برتری جویانه است. در حین اظهار عجز، خود را ابرقدرت جلوه می‌دهد و همه‌ی تصویرات ذهنی خواننده را به یکباره فرومی‌ریزد: درخت معجزه نیستم / تنها یکی درختم / و تنها هنرم این است که / آشیان تو باشم / تخت / و تابوت. (همان: ۱۰۳۷)

در شعر «و حسرتی» در ادامه‌ی بندهایی که از درد خود می‌گوید، در مقابل، خشم خویش را به گونه‌ای برمنشانه و مردانه تصویر می‌کند. نگاه کن / که چگونه / فریاد خشم من از نگاهم شعله می‌کشد / چنان که پنداری / تندیس عظیم / با ریه‌های پولادین خویش / نفس می‌کشد. (همان: ۲۰۲)

در شعر «یک مایه در دو مقام» از دفتر «مدایح بی‌صله»، دل‌تنگی خویش را با مایه‌های اساطیری شرح می‌دهد.

دلم کپک زده، آه / که سطری بنویسم از تنگی دل، همچون مهتاب‌زده‌ی از قبیله‌ی آرش / بر چکادِ صخره‌ی... (همان: ۹۴۲)

در شعر «با چشم‌ها» از دفتر «مرثیه‌های خاک»، در عین حالی که از ناتوانی و زخم روحی خویش می‌گوید، ادعای رسالت و پیامبری بر مردم ناآگاه را دارد و آرزو می‌کند که عوام، خورشید هدایت را ببینند.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۱۱۱

من / درد در رگانم / حسرت در استخوانم / چیزی نظیر آتش در جانم / یک لحظه می‌توانستم
ای کاش بر شانه‌های خود بنشانم این خلق بی‌شمار را / گرد حباب خاک بگردانم / تا با دو
چشم خویش ببیند که خورشیدشان کجاست (همان: ۶۵۵)

در اشعار «مرد مصلوب» از دفتر «مدایح بی‌صله»، «مرگ ناصری» از دفتر «ققنوس در
باران»، «تا شکوفه‌ی سرخ یک پیراهن» از «دفتر قطع‌نامه» و «وصل» از دفتر «لحظه‌ها و همیشه»،
خود را به لحاظ تحمل دشواری‌ها به مسیح (ع) تشبیه نموده و جاودانه شدن را هدیه‌ی خویش
برای تاب آوردن سختی‌ها دانسته است. (همان: ۹۲۲ و ۶۱۲ و ۴۴۳)

...من باید / سنگ‌های زندانم را به دوش کشم / بسان فرزند مریم که صلیبش را، / ...من
سنگ‌های گران‌قوافی را بر دوش می‌برم / و در زندان شعر / محبوس می‌کنم خود را (همان:
۴۹)

در «جدال با خاموشی» از «دفتر مدایح بی‌صله» برای بیان مظلومیت خود در عین
شهرت و قداست، خود را به هابیل تشبیه می‌کند که گرفتار بداندیشی برادر خویش قابیل شد
و به دست وی به قتل رسید. (سرشار، ۱۳۹۴: ۹ و شاملو، ۱۳۹۴: ۸۷۲)

در «غزل آخرین انزوا» از دفتر «هوای تازه»، در حالی که از اندوه خویش می‌گوید،
خود را به «اسکندر کبیر»، تشبیه می‌نماید که در پی یافتن «آب حیات»^۳ است اما با اسطوره-
زدایی از ذات آب حیات، بیان می‌دارد که «آب رنج جاودان» نصیبش شده اما همچنان با
تلاشی اعجازانگیز، به روشنایی امیدوار است.

و من - اسکندر مغموم ظلمات آب رنج جاویدان - چه‌گونه درین دالان تاریک، فریاد
ستاره‌گان را سروده‌ام؟ / آیا انسان معجزه‌ای نیست؟ (شاملو، ۱۳۹۴: ۲۶۸)

^۳ چشمه‌ای است در ظلمت. هر کس از آن بنوشد عمر جاودان می‌یابد؛ اسکندر و خضر به دنبال آن رفتند، خضر از آن آب نوشید و عمر جاودان یافت. (ر.ک، دهخدا: ذیل آب حیات)

۱۱۲ *دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

– خاکساری نکردن مقابل مقدّسات

شاملو در اشعار «سرود ابراهیم» و «برخاستن» از دفتر «ابراهیم در آتش»، می‌گوید بنده‌ای متواضع و خاکسار برای خدا نبوده است؛ او پروردگاری دیگر طلب می‌کند! ایزدی که آن را در ذهن برای خود ساخت. شاملو می‌گوید قاضی تقدیر با او ستمی کرده است. تصور می‌کند که خدایان، او را لعنت کرده‌اند؛ پس او نیز با یکسان دانستن قدرت خویش با آن‌ها، مقابله به مثل می‌کند! (شاملو، ۱۳۹۴: ۳۷۶) در شعری با سرکشی از مقام عبودیت، بیان می‌کند که:

پرستش من / همه / «برخوردار بودن» است. (همان: ۸۶۶)

من بی‌نوا بندگی سربراه / نبودم / و راه بهشت مینوی من / بز رو طوع و خاکساری / نبود: / مرا دیگرگونه خدایی می‌بایست / شایسته‌ی آفرینه‌ی / و خدایی دیگرگونه / آفریدم. (همان: ۷۲۶)

در شعر «لابه یک جمجمه» از دفتر «آیدا در آینه»، واقعه‌ی قیامت را به تمسخر گرفته، بیان می‌کند که با شنیدن صوراسرافیل هم از جا بر نمی‌خیزد چرا که آوای سرنا را نمی‌پسندد. ...به انتظار آن که جاز شلخته‌ی اسرافیل آغاز شود / هیچ به از نیشخند زدن نیست / اما من آنگاه نیز بنخواهم جنبید / ...چرا که میان تمامی سازها / سرنا را بسی ناخوش می‌دارم. (همان: ۴۸۴)

اثری از بندگی و خاکساری در شعر «خلاصه‌ی احوال» از دفتر «در آستانه» احساس نمی‌شود:

هوا را مصرف کردم / اقیانوس را مصرف کردم / سیاره را مصرف کردم / خدا را مصرف کردم (همان: ۹۷۶)

در شعر «غزل آخرین انزوا» از دفتر «هوای تازه»، پس از بیان دشواری‌هایی که با اقتدار بر آن‌ها فائق آمده، از قدرت خویش حیرت‌زده شده، طی استفهامی تقریری، انسان توانا را «معجزه» می‌نامد؛ سپس با بیانی شطح‌گونه، انسان را شیطانی خطاب کرده که خدا را از آستانه‌ی اختیار به زیر می‌آورد. (همان: ۲۶۹)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۱۱۳

در شعر «سفر» از دفتر «ققنوس در باران»، گشایش روحی خویش را تنها مدیون توانایی‌های خویش است و قدرت خدا را در این امر دخیل نمی‌داند. (همان: ۵۹۳)

- تقابل گردن‌فرازانه با پدیده‌ی مرگ

دید مبارزاتی شاملو را می‌توان در نگرش وی به مرگ نیز مشاهده کرد. او حتی از شکست دادن مرگ سخن می‌گوید. شاملو مردن را زمانی زیبا می‌بیند که "انسان، مرگ را شکست داده باشد!" (شاملو، ۱۳۹۴: ۶۲)

شاملو در شعر «غبار» از دفتر «هوای تازه»، برای مرگ و سختی هم شاخ و شانه می‌کشد، آن را هیچ ندانسته، با صفت "مسکین" خطاب می‌کند! او خود را استوار چون درختی تناور دانسته که دشواری‌های زندگی چون پیچکی ضعیف، گرد آن می‌تنند و برای وی باری به شمار نمی‌آیند؛ شاعر، اندوه را چون مادری می‌داند که سال‌ها صمیمانه مانند عنبر در مجمرش سوخته و موجب طیب خاطر وی گشته است! او در برابر صدای دهشتناک حوادث، ناشنوا است و به هنگام درگیری با مشکلات، چون پولادی سرسخت، توان ایستادگی دارد. از غریو دیو طوفانم هراس / وز خروش تندرم اندوه نیست / مرگ مسکین را نمی‌گیرم به هیچ / استوارم چون درختی پابجای / پیچک بی‌خانمانی را بگوی / بی‌ثمر با دست و پای من مپیچ / مادر غم نیست بی‌چیزی مرا / عنبرست او، سالها افروخته در مجمرم / ...گرچه چون پولاد سرسختم به رزم / یا خود از پولاد شد ایمان من (همان: ۱۳۳)

در منظومه‌ی «رکسانا» از دفتر «هوای تازه»، مرگ را با شتابی شجاعانه سوی خویش فرا می‌خواند؛ او با اشتیاق، کفن خود را دوخته و گور خویش را کنده است! وجود خود را به نسیمی تشبیه می‌کند که آرام از بوستان عمرش گذشته است. می‌گوید با وجود زندگی پربار، ایستادگی بر اعتقادات خویش و تفکر در جهان، دیگر اندیشه‌ی زیستن و برگ و بار دواندن، در سر ندارد. (همان: ۲۵۴)

۱۱۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

در شعر «ناتمام» از دفتر «هوای تازه»، بیان می‌دارد که سنش از سی گذشته و در سرایشی نزدیک شدن به مرگ قرار گرفته است اما از واقعه‌ی مرگ، هراسی ندارد چرا که چیزی از ارزش‌های او را نمی‌کاهد. (همان: ۱۰۳)

الف. بامداد در شعر «در آستانه»، مرگ را با قدرتی قهرمانانه می‌پذیرد. او با وجود بیماری و تحمل سختی‌های زندگی، می‌گوید زندگی من، یگانه فرصتی ناب بود که هیچ چیز کم نداشت!

باید استاد و فرود آمد / بر آستانه‌ی دری که کوبه ندارد / چرا که اگر به گاه آمده باشی دربان به انتظار توست / .. فرصت کوتاه بود و سفر، جانکاه / اما یگانه بود و هیچ کم نداشت (همان: ۹۷۱) در همین شعر، به دلیل گردن‌فرازی و غروری که در وجود خویش دارد می‌سراید: رقصان می‌گذرم / از آستانه‌ی اجبار؛ شادمانه و شاکر... (همان: ۹۷۲)

او مدعی است که هرگز از مرگ در راه عقیده و آزادی‌خواهی نهراسیده است. شاملو اتفاق مرگ را در زمانی که فرد متکی به خویشتن و خودساخته شده باشد، ناگوار نمی‌داند. جستن / یافتن / و آن‌گاه / به اختیار برگزیدن / و از خویشتن خویش / باروئی پی‌افکندن / اگر مرگ را از این همه ارزشی بیش‌تر باشد / حاشا حاشا که هرگز از مرگ هراسیده باشم. (همان: ۴۶۰)

الف. بامداد، تعبیر «هجرت» را برای مرگ به کار می‌گیرد؛ او مرگ خود را دوری از نامردمان زمانه می‌داند و نه یک واقعه‌ی طبیعی!

مرگ من سفری نیست / هجرتی ست / از سرزمینی که دوست نمی‌داشتم / به خاطر نامردمانش (همان: ۵۴۴)

حتی گاهی ادعا می‌کند که مرگ را فریفته و یا شکست داده است.

من این‌جا مانده‌ام از اصل خود به دور / که همین را بگویم / و بدین رسالت / دیری ست / تا مرگ را / فریفته‌ام (همان: ۷۳۳)

تو نمی‌دانی مُردن / وقتی که انسان مرگ را شکست داده است / چه زندگی ست... (همان: ۶۲)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۱۱۵

او در شعر «لابه‌ی یک جمجمه» از مجموعه‌ی «آیدا در آینه» زندگی و مرگ ذلیلانه را با نفرتی تمسخرآمیز به ریشخند می‌گیرد: اکنون جمجمه‌ات/ عریان/ بر آن همه تلاش و تکاپوی بی حاصل/...لبخندی می‌زند به حماقتی...که تو/ از وحشت مرگ/ بدان تن در دادی/ به زیستن/ با غلی بر پای و/ غلاده‌یی بر گردن(همان: ۴۸۴)

۴. نتیجه‌گیری

در جستار حاضر، تأثیر ویژگی‌های روانی‌گردن‌فرازی و تسلیم‌ناپذیری، در اشعار شاملو و حمیدی با استفاده از نظریات روان‌کاوانه بررسی شد؛ همچنین پرسشی که حول محور کشف میزان و کیفیت تأثیر پدیده‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار دو شاعر بود، پاسخ داده شد؛ روشن گردید که مختصات زندگی فردی این دو شاعر و برخی فقدان‌ها، در اغلب تصویرآفرینی‌های برمنشانه‌ی آن‌ها تأثیرگذار بوده است و تصاویر برمنشانه، حجم قابل توجهی از اشعار این دو شاعر را در بر گرفته و موجب جذابیت کلام و رنگ هنری اشعار آن‌ها شده است. از منظر روان‌کاوی، هنگامی که فرد با کامیابی نداشتن یا احساس سرخوردگی مواجه می‌شود، ضمیر ناخودآگاه، به صورتی خارج از اختیار، به دفاع‌هایی برای حفظ عظمت و انسجام شخصیت وی، برمی‌خیزد؛ طی این فعالیت ذهنی، فرد خود را قوی و رسوخ‌ناپذیر جلوه می‌دهد و هرگز تصویری برآمده از عجز از را ارائه نمی‌کند؛ این مسئله تا حدی منطبق بر پدیده‌ی خودشیفتگی است؛ از این رو می‌توان حمیدی و شاملو را در برهه‌ای، خودشیفته دانست. طی تحلیلی آماری، مشخص شد که در دیوان اشک معشوق حمیدی (سه جلد)، ۵۲ مورد و در مجموعه اشعار شاملو، ۶۰ مورد ابراز نکردن عجز وجود دارد؛ این اعداد می‌تواند به تنهایی، کل سبک شعری و محتوای اخلاقی یک اثر را تحت شعاع قرار دهد.

کتاب‌نامه

۱۱۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

- بهار، آیتا. (۱۳۸۸) *زندگی شاملو*. چاپ دوم. تهران: انتشارات کتابخانه‌های ایران.
- برومند، منوچهر. مهدی حمیدی، شاعر ملی نامیرا در دوردستِ خاطره‌ها، ۱۳۹۲، پاریس، [بی‌نا].
- براندن، ناتانیل. (۱۳۹۹) *روان‌شناسی عزت نفس*. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. چاپ بیست و ششم. تهران: نخستین.
- حمیدی شیرازی، مهدی. (۱۳۷۸) *دیوان شعر اشک معشوق (سه جلد در یک مجلد)*، چاپ اول. تهران: صدای معاصر.
- حبیبی، علی‌اصغر. اصغری، رضا. (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی مکانیسم‌های دفاعی در شعر ابوالعلاء معری و شوریده‌ی شیرازی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال ۱، شماره ۲، صص ۷۳-۴۵.
- *خمرزایی، عارفه. حبیبی، علی‌اصغر. (۱۴۰۰) «واکاوی تیپ شخصیتی قهرمان رمان ساق‌البامبو بر اساس تئوری آنیاگرام» (از منظر تیپ‌شناسی سطوح سلامت و تیپ ثانویه)*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال ۳، شماره ۵: ۱۳۱-۱۰۹.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*، چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- سرشار، مژگان. (۱۳۹۴) «داستان هاییل و قاییل در تفاسیر اسلامی»، نشریه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث. شماره ۵۷: صص ۳۶-۷.
- شاملو، احمد. (۱۳۹۴) *مجموعه آثار (دفتر یکم- شعرها)*، چاپ دوازدهم. تهران: نگاه.
- شفیع‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۷) *صوَرخیال در شعر فارسی*. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات آگاه.
- شکسپیر، ویلیام. (۱۳۶۰) *هملت*. ترجمه م. به‌آذین. چاپ اول. تهران: دوران.
- فروید، زیگموند. (۱۳۸۲) *پیش‌درآمدی بر خودشیفتگی*، ترجمه حسین پاینده. چاپ اول. تهران: ارغنون.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۱۱۷

- ——— (۱۳۸۴) *مکانیزم‌های دفاع روانی*، ترجمه حبیب گوهری‌راد و محمد جوادی. چاپ اول. تهران: رادمهر.
- لچکار، جوان. (۱۹۳۸) *چگونه با شخصیت خودشیفته صحبت کنیم*. ترجمه‌ی سعید دهنوی و زهرا حدادی. چاپ اول. ۱۳۹۶. تهران: دانژه.
- کوهات، هاینز. (۱۳۹۷) *روان‌شناسی خود*. ترجمه مرضیه سرگلی، سمانه اکبری‌مقدم، ملیحه صفارشرق. چاپ سوم. مشهد: فرانگیزش.
- گلستانی‌بخت، طاهره. زمانی، مریم. رحمانی‌فرشباف، سامان. (۱۳۹۸) «نگاهی به شخصیت‌های رمان کلیدر دولت‌آبادی بر اساس مفاهیم احساس کهنتری و جبران برتری‌جویی در نظریه‌ی آدلر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال ۱، شماره ۲، ۲۲۹-۲۰۷.
- نوری، اسماعیل. (۱۳۹۵) *تأملی بر خودشیفتگی و شناخت شخصیت خودشیفته*. چاپ اول. تهران: ارجمند.
- وکیلی، هادی. قاسم، فاسم. (۱۳۹۷) «عرفان و تصوف در منظومه فکری علامه مجلسی». پژوهشنامه عرفان. شماره ۱۸: صص ۲۴۹-۲۲۵.
- هومر، شون. (۱۳۹۴) *تراک لاکان*. ترجمه محمدعلی جعفری، محمدابراهیم طاهائی. چاپ چهارم. تهران: ققنوس.

References

- Bahar, Anita. 2009. *Zindigi-yi Shamlu [Shamlu's Biography]*. Tehran: Iranian Libraries Publications. [in Farsi]
- Borumand, Manuchehr. 2013. [*Mehdi Hamidi: Sha'ir-i Milli-yi Namira dar Durdast-i khatiri-ha [Mehdi Hamidi: The Immortal National Poet in the Recesses of Memories]* Paris: (n.p.). [in Farsi]
- Branden, Nathaniel. 2010. *The Psychology of Self-Esteem*. Translated by Mehdi Qaracha Daghi. Tehran: Nukhustin Publications. [in Farsi]

۱۱۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

- Dihkhuda, Ali Akbar. 1998. *Lughatnami* [Dihkhuda Persian-to-Persian Dictionary]. Tehran: Tehran University Publications. [in Farsi]
- Freud, Sigmund. 2003. *On Narcissism: An Introduction*. Translated by Hussein Payandeh. *Arghanun [Organon]*, no. 21: 153-183. [in Farsi]
- Freud, Sigmund. 2005. *Defense Mechanisms*. Translated by Habib Gawhari Rad and Mohammad Javadi. Tehran: Radmehr Publications. [in Farsi]
- Golestani Bakht, Tahereh, Zamani, Maryam, and Rahmani Farshbaf, Saman. 2019. “Nigah-i bi Shaksiyat-ha-yi Ruman-i *Kelidar*-i Dwawlatabadi bar اساس-i Mafahim-i Ihasas-i Kihtar-i va Jubran-i Bartarijuyi dar Nazariyi-yi Adler [A Glance at The Characters in the Novel *Kelidar* by Mahmud Dawlatabadi based on the concepts of feelings of inferiority and seeking compensation for superiority]”. *Dufaslami-yi Pazhuhish-ha-yi Bayn-i Rishti’i-yi Adabai [Semiannual Journal of Interdisciplinary Literary Research]*, no. 2: 207-229. [in Farsi]
- Habibi, Ali Asghar, and Asghari, Reza. 2019. “Barrasi-yi Tatbiqi-yi Mikanism-ha-yi Difa’i dar Ash’ar-i Abul’ala Ma’arri va Shuridi-yi Shirazi [A Comparative Analysis of Defense Mechanisms in the Poems of al-Ma’arri and Shuridi-yi Shirazi].” *Dufaslami-yi Pazhuhish-ha-yi Bayn-i Rishti’i-yi Adabai [Semiannual Journal of Interdisciplinary Literary Studies]*, no. 2: 45-73. [in Farsi]
- Hamidi Shirazi, Mehdi. 1999. *Divan-i Shi’r-i Ashk-i Ma’shuq [The Divan of Poetry on the Beloved’s Tears]*. Tehran: Seda-ye Mo’aser Publications. [in Farsi]
- Homer, Sean. 2015. *Jacques Lacan*. Translated by Mohammad Ali Ja’fari, and Mohammad Ebrahim Taha’i. Tehran: Ququnus Publications. [in Farsi]

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسندهٔ اول: پارسائی جهرمی)

۱۱۹

- Jutta Lachkar, Juan. 2017. *How to Talk to a Narcissist?*. Translated by Saeid Dehnavi and Zahara Haddadi. Tehran: Danzheh Publications. [in Farsi]
- Khamr Zabuli, Arefeh, and Habibi, Ali Asghar. 2021. “Vakavi-yi Tipp-i Shakhsiyati-yi Qahraman-i Ruman-i *Saq al-Bambu* bar asas-i Ti’uri-yi Aniyagram (az Manzar-i Tipshinasi-yi Sutuh-i Salamat va Tipp-i Sanaviyyi) [An Exploration of the Character Type of the Hero of the Novel *Saq al-Bambu* based on the Enneagram Theory (from the Perspective of the Typology of Health Levels and Secondary Type)”. *Dufaslnami-yi Pazhuhish-ha-yi Bayn-i Rishti’i-yi Adabai* [Semiannual Journal of Interdisciplinary Literary Studies], no. 5: 109-131. [in Farsi]
- Kohut, Heinz. 2018. *Self Psychology*. Translated by Marziyeh Sarguli, Samaneh Akbari Muqaddam, and Maliheh Saffar Sharq. Mashhad: Fara-Angizesh Publications.
- Nuri, Esmā’il. 2016. *Ta’ammul-i bar Khudshiftigi va Shinakht-i Shakhsiyat-i Khudshifti* [A Thought on Narcissism and Knowledge of Narcissist Characters]. Tehran: Arjmand Publications. [in Farsi]
- Sarshar, Muzhgan. 2015. “Dastan-i Habil va Qabil dar Tafasir-i Islami [The Tale of Habil and Qabil in Islamic Exegeses]”. *Nashriyiyi-yi Mutali’at-i Tarikhi-yi Qur’an va Hadith* [Journal of Historical Studies of Qur’an and Hadith], no. 57: 7-36. [in Farsi]
- Shafi’i Kadkani, Mohammadreza. 2008. *Suvar-i Khiyal dar Shi’r-i Farsi* [Imagery in Persian Poetry]. Tehran: Agah Publications. [in Farsi]
- Shakespeare, William. 1981. *Hamlet*. Translated by Mahmud Beh’azin. Tehran: Dawran Publications. [in Farsi].
- Shamlu, Ahmad. 2015. *Majmu’i-yi Asar (Daftar-i Yikum –Shi’r-ha)* [Complete Works of Shamlu vol. 1: Poems]. Tehran: Negah Publications. [in Farsi]

۱۲۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، بازتاب مشخصه‌ی روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روان‌کاوی)، (نویسنده اول: پارسائی جهرمی)

- Vakili, Hadi, and Qarib, Qasem. 2018. "Irfan and Tasavvuf dar Manzumi-yi Fikiri-yi Allami Majlisi [Mysticism and Sufism in Allama Mohammad Baqir Majlisi's Intellectual Constellation]". *Pazhuhish-nami-yi Irfan [Journal of Mysticism]*, no. 18: 225-249. [in Farsi]